

نسخه خطی منحصر بفرد لغت نامه تفسیری

فارسی «فرهنگ زفان گویا و جهان پویا»



از مطبوعات لغت نگاری دیرین فارسی (سده های ۱۱-۱۴) در زمان ما یادگارهای منحصر بفرد باقی مانده است. چنانکه معلوم است اولین کتاب لغت تفسیری فارسی که بدست ما رسیده «لغت فرس» اسدی طوسی است که در سده یازدهم تنظیم شده است. از فرهنگ های فارسی سده های ۲ و ۱۳ متأسفانه هیچکدام محفوظ نمانده است. از سده ۱۴ چند لغت نامه تفسیری فارسی باقی مانده که نسخه های خطی آنها خیلی کمیاب است.

در عین حال، بر طبق استنادها، تذکرها و مستخرجه هایی که در تالیفات لغت نگارای ادوار بعد آمده است از وجود فرهنگ های فارسی قبلی و قدیمی تر هم اطلاع دارند. یکی از آن فرهنگ ها رامزلف این مقاله خوشبختانه توانسته است در ایام برگذاری چهارمین کنفرانس سراسر اتحاد شوروی درباره فیلولوژی ایران در شهر تاشکند پیدا کند.

در حین مطالعه کتاب ثبت نسخه های خطی شرقی که در کتابخانه اساسی دانشگاه دولتی تاشکند نگاهداری میشود، من متوجه یکی از نسخ خطی شدم، که درباره آن چنین نوشته شده بود:

«نسخه خطی جامع فرهنگ نامه. الصراح من الصحاح» (شماره ثبت اموال ۰۱۴-۲۱۴ رمز و-۰۹۲۹۲). «الصراح من الصحاح» نام لغت نامه معروف عربی-فارسی سده ۱۳ است که نسخه های خطی آن خیلی زیاد است.

اما عنوان کتاب اول- یعنی «فرهنگ نامه» واضح بود که نام شرطی لغت نامه‌ایست که بقرار معلوم درست تشخیص داده نشده است. من آن نسخه خطی را خواستم و در آخر مرتن آن «فرهنگ نامه» (صفحه ۵۵-آ) چنین خواندم، «تمام شد کتاب فرهنگ نامه زفان گویا و جهان پویا بیست و یکم ماه جمادی الثانی سنه ۱۲۳ بخط پنده حقیری بضاعت عرب نسبی من موضع خطای».

واضح شد که یکی از لغت نامه‌های تفسیری قدیمی فارسی بنام «زفان گویا» در مقابل من قرار داشت، که تاکنون جز نام آن هیچگونه اطلاعی در دسترس علماء نبود. (۱)

غالباً نام این لغت نامه در تالیفات لغت‌نگاری سده‌های ۱۶ و ۱۵ و سده‌های بعد، مثلاً در «فرهنگ ابراهیمی»، «تحفة السادة»، «مؤید الفضلاء»، «مدار الافاضل»، «مجمع الفرس» ذکر شده است. لغت نگاران شرقی لغت نامه «زفان گویا» را بعنوان منبع خود ذکر نموده معمولاً آنرا با خضنار چنین وصف می‌کرده‌اند: «از کتابهای قدیمی» یا «از تالیفات موثق است». کاملترین نام لغت نامه در «فرهنگ جهانگیری» تالیف سده ۱۷ بدین نحو ذکر شده است، «فرهنگ زفان گویا و جهان پویا مشهور به هفت بخشی، تصنیف بدرالدین». (۲) اطلاعات درباره این لغت نامه در مطبوعات علمی اروپا منحصر است به تذکراهای مختصر در آثار ه. بلوخمان (۳) و ک. گ. زالتمان (۴) که مطالب «فرهنگ جهانگیری» را تکرار کرده‌اند، ضمناً زالتمان تصور می‌کرده که لغت نامه «زفان گویا» قبل از سال ۱۸۲۲ (۱۴۱۹) نوشته شده، ولی ه. بلوخمان مایل بوده این لغت نامه را قدیمی‌تر از آن دوران بداند.

مطالعه مرتن لغت نامه مبرهن نموده که «فرهنگ زفان گویا» ممکن نبود قبل

- (۱) - لغت نامه «زفان گویا و جهان پویا» در کتاب «فرهنگ نویسی فارسی در هند و پاکستان» تالیف دکتر شهریار نقوی-نیران، سال ۱۹۶۳، صفحه ۴ مقدمه و صفحه ۶۶ بعنوان لغت نامه‌ای ذکر شده که محفوظ مانده و بدست ما نرسیده است.
- (۲) - نسخه خطی ص ۳۰۷ از مجموعه انستیتوی ملل آسیا جزو فرهنگستان علوم ا.ج.ن.س. (یکی از قدیمی‌ترین نسخ «فرهنگ جهانگیری»، صفحه ۴-آ.

H. Blochmann, Contributions to Persian Lexicography (r)
Journal of the Asiatic Society of Bengal, vol xxxvII, 1869
Part 1.P. 5, N 21 .
C. Salemann, Bericht über die Ausgabe der Mi'jar-i - (۴)
Jamali - «Mélanges Asiatiques» T. IX 1888, p514 No 17 .

از سال ۷۰۱ (۱۳۰۱) نوشته شده باشد؛ زیرا در آن موارد استناد به لغت نامه فارسی «فرهنگ مخبر غواص» وجود دارد که در سال ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ تنظیم گردیده است. در عین حال این لغت نامه مادر تألیفات لغت نگاران سده ۱۵ بعنوان منبع ذکر شده و ضمناً مؤلفان این لغت نامهها بر طبق قاعده و به ترتیب تقدم و تأخر تاریخی آثار لغت نگاران قبلی را ذکر مینموده و لغت نامه ذقان گویا را قبل از لغت نامه و عادات الفصلا، که در سال ۱۴۱۹ نگاشته شده است ذکر نموده اند.

متن این لغت نامه از صفحه ۱-آ تا صفحه ۵۵-آ جلد نسخه خطی جامع را اشغال نموده است. لغت نامه با هر کب مشکى ۱۸ سطر در هر صفحه با خط نستعلیق تند نویسی بدون رعایت اصول خوش نویسی نوشته شده است. عناوین فصول و قسمتها با رنگ شکر فی نوشته شده، روی کلماتی هم که تفسیر ندهد با همان رنگ شکر فی خط کشیده شده است. کاغذ این نسخه خطی شرقی است و بمرور زمان تیره رنگ شده، ابعاد آن ۲۵ در ۱۹ سانتیمتر و ابعاد متن ۱۹ در ۱۱ سانتیمتر است. جلد آن شرقی و از مقوای سفت است که روی آن چرم قهوه ای رنگ کشیده اند و با پارچه شیرازه بندی شده است. روی صفحه ۱-آ مهر مربع مستطیل دانشگاه دولتی ازبکستان (شهر سمرقند) زده شده و در داخل آن مهر شماره ثبت ۱۲۷۲۶۶ نوشته شده است. روی صفحه ۱-آ ۲۳۹۹-ب مهر بیضی شکل کتابخانه اساسی دانشگاه دولتی آسیای میانه زده شده و دارای شماره ثبت ۲۱۴۰۱۴ است.

روی صفحه ۱-آ نام صاحب آن با رسم الخط عربی نوشته شده: ملا محمد شریف. در حواشی برخی از صفحات اصلاحات استنساخ کننده و اضافاتی دیده میشود که خوانندگان بر مبنای اصلی افزوده اند. این نسخه خطی از رطوبت آسیب دیده، روی صفحهها لکه شده و مرکب دویده است. جلد سائیده شده و مستعمل است، سه ربع از چرم روی جلد آخر کتاب کنده شده است.

بقرار معلوم در این نسخه خطی مقدمه مؤلف که معمولاً در لغت نامهها هست و آغاز قسمت (بخش) اول وجود ندارد. این نسخه تا حدی تعمیر و ترمیم شده است.

مطالب زیر را درباره نوشتن لغت نامه در خاتمه آن میتوان مشاهده نمود: «کتاب لغت» زقان گویا و جهان پویا، روزیست و یکم جمادی الثانی سال ۱۰۰۰، خاتمه یافته است و پس از آن سه عدد ۱۲۳ نوشته شده، که بقرار معلوم باید ۱۱۲۲ خواننده بشود. سپس چنین نوشته شده است: «۰۰۰ بخط بنده حقیربی بضاعت عرب نسفی من موضع خطای».

بدین ترتیب با در نظر گرفتن خصوصیات کتبت و تحریر و کاغذ و جلد

آن) تاریخ لغت نامه «زبان گویا» را میتوان تعیین نمود، که مقارن ۶ ماه اول سال ۱۷۱۱ بوده است. نسبت نسفی حاکی از این است که استنساخ کننده اهل شهر قارشی در آسیای میانه بوده، که آن شهر قبلا نسف نامیده میشده است.

لغت نامه «زبان گویا و جهان پویا» از حبیب طرز تنظیم جالب توجه است. این لغت نامه به هفت قسمت (بخش) بزرگ و بخش‌ها بدفصول (گونه‌ها) و گونه‌ها بنویس خود به قسمتهای جزء (بهرها) تقسیم میشود. هر بخش يك لغت نامه جداگانه است که مصنف عنوان خاصی بآن داده است. (۱)

بخش ۱ (صفحه ۱-آ تا ۲۸-ب). این بخش فاقد عنوان است، زیرا آغاز نسخه خطی مفقود شده است. این بخش عبارت است از لغت نامه تفسیری شامل مجموع لغات فارسی و ۲۳ گونه دارد. گونه‌های مذکور، مانند بخش‌های بعدی دیگر، بترتیب الفبای فارسی تنظیم شده است. هر گونه حاوی لغاتی است که با حرف مشخصی شروع میشود. گونه‌ها مطابق حرف آخر لغتی که تفسیر میشود به بهره‌ها تقسیم شده است. متن بخش اول از گونه «دل» آغاز میگردد، که هشتین حرف از بهر سوم است. اولین لغتی که تفسیر شده کلمه «دخت» با توضیح دختر است.

برخی نمونه‌های تفسیر بدین قرار است: (صفحه ۲۰-آ) - «لوع بواد باری دوشیدن و شاهیدن و دوشنده و شاهنده» (صفحه ۲۱-ب) «موز میوه معروف بتازی طلع و بهندوی کیله» (صفحه ۲۴-آ) - «نیلوفر گیاهست در آب و آفتاب پرست نیز گویند بهندوی کنول».

بخش ۲ (صفحه ۲۸-ب تا ۳۶-آ) تحت عنوان «درسخنانی که دری» این بخش ۲۱ گونه دارد. همچنین شامل لغات عمومی زبان فارسی و اغلب بشکل ادبی آنها است. مثلا: (صفحه ۲۹-آ) - «آهن ریاسنگی است معروف بتازی هقناطیسی بهندوی کاسک گویند» (صفحه ۳۰-ب) - «پرستار کنیزك بینی»

(۱) - یگانه فرهنگ فارسی که بدین نحو با تقسیم بخش‌ها و گونه‌ها تنظیم گردیده عبارت است از لغت نامه‌ای که در سال ۱۲۰۱ تألیف شده بنام «فرهنگ فخرعواص» و مؤلف آن فخرالدین مبارک‌ناه غزنوی غواص بوده است. رجوع شود به:

W. Ivanov, Concise Descriptive Catalogue
of the Persian Manuscripts in the
Curzon Collection, Asiatic Society of Bengal,
1926 P. 368 No. 516.

خدمتکار. (صفحه ۲۳-آ). زندو اف بلیل و دراسدی و فردوسی است که هزار داستان .

بخش ۳- (صفحه ۳۶-آ تا ۳۹-ب)- تحت عنوان درسخنان بهلولی ودری. این بخش ۲۳ گونه دارد.

این قسمت منحصرأ شامل مصادر بسبط و غیر مرکب است، که اکثر آنها متروک شده استعمال نمیشود، مثلاً (صفحه ۳۸-آ) شباریدن (۱) زمین باره کردن (صفحه ۳۸-ب) غنودن خواب کردن، (صفحه ۳۹-آ)- نغو شالیدن از کیش بکیش شدن .

بخش ۴- (صفحه ۳۹-ب تا ۴۳-ب) تحت عنوان درسخنان تازی عربی دارای ۲۸ گونه است. در لغت نامه کلمات عربی شامل اصطلاحات خاص، اسماء، لغات مورد استعمال در کشاورزی که در زبان فارسی بکار میرفته است تفسیر شده است. چند نمونه: (صفحه ۴۰-آ) ترجمان بیان کننده زبانی بزبان دیگر، (صفحه ۴۰-آ) تخمین گمان، (صفحه ۴۲-ب)- منشور فرمان پادشاه، (صفحه ۴۳-آ) ندیم هم قدح .

بخش ۵- (صفحه ۴۳-ب تا ۵۱-آ) تحت عنوان درسخنان آمیخته ارتازی و نبطی و دری ۲۹ گونه دارد. مؤلف در این قسمت اصول لغات عربی را که وارد زبان فارسی شده است توضیح میدهد و بسیاری از اسامی خاص اشخاص تاریخی و ادبی و همچنین اسمهای جغرافیائی را تفسیر نموده است . چند نمونه: (صفحه ۴۳-ب)- الماس گوهری که بهندوی گهر گویند، (صفحه ۴۷-آ)- طرخان نام پادشاهی، (صفحه ۴۸-آ) قندهار نام شهرست، (صفحه ۴۹-ب)- وامق نام مردی عاشق عنبرا .

بخش ۶- (صفحه ۵۱-آ تا ۵۲-آ) تحت عنوان در سخنان رومی دارای ۱۶ گونه است. در این بخش اصولا اسامی خاص، نام ماهها، اصطلاحات آئینی و همچنین برخی اسماء اشیاء مربوط به یونان و بیزانس قدیم است. مثلاً: (صفحه ۵۰-آ) افلاطون نام حکیمی یونانی، (صفحه ۵۰-آ)- بطریق زاهد ترسیان، (صفحه ۵۰-ب) شیاط ماه رومیان و آن آخرین ماه زمستانست.

بخش ۷- (صفحه ۵۲-آ تا ۵۴-ب) تحت عنوان در سخنان ترکی دارای ۱۷ گونه است. در این بخش قسمتی از لغات ساده ترکی: اصطلاحات خویشاوندی و لوازم خانگی و غیره تفسیر شده است. چند مثال: (صفحه ۵۱-ب)- اوغل پسر، (صفحه ۵۱-ب)- ایچی برادر هم پسر، (صفحه ۵۲-آ) تورت چهار .

۱- ظاهرأ باید شماریدن خوانده شود. (پیام نوین)

آخرین صفحات لغت‌نامه (صفحه ۵۴-ب تا ۵۵ آ) ضمیمه کوچکی است تحت عنوان در چند سختی از بررسی که کنایت از چیزی دارد. در این ضمیمه مؤلف معانی برخی اصطلاحات لهجه‌ای و محلی فارسی را بر ترتیب حروف الفبا نوشته است. مثلاً: (صفحه ۵۳-ب) تن زدن تحمل کردن، (صفحه ۵۴-آ) ساده دل نادان و کم‌دان، (صفحه ۵۴-آ) یک چشم ظاهر بین و کم‌بین و منافق، (صفحه ۴۵-آ) ره آورد آنج کسی را از سفر آرند، (صفحه ۵۴-آ) سیما ب‌شدن ناپدید شدن و دریدن است.

بدین ترتیب در قسمتهائی که در بالا شرح داده شد اطلاعاتی از رشته‌های کاملاً مختلف زندگی انسان ذکر شده است. نام انواع وسایل کار و لوازم زندگی عادی و اصطلاحات اجتماعی، اسمهای جغرافیائی و اصطلاحات کشاورزی، نام داروها، گیاهان، حیوانات، معدنیات، اشیاء ضروری خانگی، آلات موسیقی، غذاها، اسامی خاص اشخاص تاریخی و قهرمانان حماسه ایران و بسیاری مطالب دیگر با توضیحات ضروری در این لغت‌نامه درج شده است.

برای عده‌ای از کلمات تلفظ آنها بطریق وصفی ذکر شده (که بیشتر از علائم کمکی-حرکات-قابل اطمینان و صحیح است). بسیاری از کلمات همراه با دوسه کلمه مترادف نوشته شده است، همچنین دسته‌های کلمات جناس قید شده است. بندرت مؤلف اشکال لهجه‌ای را نوشته، کلمات عربی و هندی (هندوئی) معادل فارسی را درج نموده است. مؤلف مزبور در کار تهیه لغت‌نامه از آثار فردوسی به طرز بی‌سبب استفاده نموده است، زیرا غالباً به لغات و طرز بیان او استناد می‌کند. در لغت‌نامه بتوان شاهد و مثال برای بعضی لغات اشعار شاعرانی مانند فردوسی، سوزنی، بزرگی، قابل، آورده شده است.

بطور کلی میتوان گفت که «فرهنگ زقان گویا و جهان پویا» بعنوان نوعی مجموعه لغات فارسی قبل از سده ۱۴ از لحاظ علمی بسیار قابل توجه است. همین امر آنرا گرانبها ترین منبع برای تحقیقات در رشته لغت‌شناسی تاریخی و لهجه‌شناسی تاریخی زبان فارسی مینماید.